

# ربطی به اسلام ندارد ، به خودشان مربوط است

در دفاع از هاشم آجاری

۱ - خداوند با نفی و نهی تقلید کورکورانه ، مسلمانان را هشدار داده از چیزی که علمی بر آن ندارند پیروی نکنند ، چرا که چشم و گوش و دل ( ابزار سه گانه شناخت ) که برای درک و فهم به آنان بخشیده است مسئول و پاسخگو هستند ( اسراء ۳۶ ) . حال اگر کسانی هاشم آجاری را به جرم بیان اندیشه های دگر شریعتی در مذمت تقلید کورکورانه محکوم به اعدام می کنند ، ربطی به اسلام ندارد ، به خودشان مربوط است .

۲ - حضرت ابراهیم ( ع ) با پروردگاری که از رازهای درونی انسان از خودش آگاه تر است ، پرده پوشی و پنهان کاری نداشت و صادقانه و صمیمانه نا آرامی و مطمئن نبودن خود را به چگونگی زنده شدن مردگان در روز رستاخیز با او در میان می گذارد ، خداوند نیز نه تنها نام « خلیل » اش را از صحیفه خالصان خط نمی زند ، بلکه با استقبال از چنین شک محققانه ای ، آزمایش و تجربه ای علمی برای درک عمیق این معما به او آموزش می دهد ( بقره ۲۶۰ ) . حال اگر کسانی ترجیح می دهند مردم در فتاوی و احکام رساله های آن تردید نکنند ، ربطی به اسلام ندارد ، به خودشان مربوط است .

۳ - خداوند به رسول گرامی اش صریحاً فرمان داده اعلام نماید : « این راه من است که با بصیرت به سوی خداوند دعوت می کنم ، هم من و هم هر آن کس که از من پیروی کند » . ( یوسف ۱۰۸ ) . حال اگر کسانی به رغم ادعای پیروی از اسلام ناب محمدی ، دعوت بصیرانه را با سوق دادن تقلیدی اشتباه گرفته اند ، ربطی به اسلام ندارد ، به خودشان مربوط است .

۴ - از نشانه های ده گانه ای که خداوند از صفات « عباد الرحمن » در قرآن بر شمرده است ، یکی هم این است که وقتی به آیات خدا یادآوری می شوند ، کر و کور ( مقلد وار ) روی آن نمی افتند ! ( فرقان ۷۳ ) . یعنی « رب » و مربی ما ، تقلید کورکورانه از خودش را هم نمی پسندد و بر خواستن و حرکت را طلب می کند نه افتادن و متوقف ماندن را . حال اگر کسانی سخن آجاری را که نقل سخن الهی است نمی پسندند ، ربطی به اسلام ندارد ، به خودشان مربوط است .

۵ - خداوند در کتاب حکیمش صریحاً فرمان داده است: « اگر در مجلسی دیدید که آیات خدا به کفر و استهزا کشیده می شود، با آنها منشینید تا هنگامیکه به سخن دیگری پردازند » (نساء ۱۴۰). یعنی حداکثر اجازه ای که به مؤمنین در چنین مواقعی داده است، ترک موقت و مسالمت آمیز (نه همیشگی و قهر آمیز) جلسه است، حال اگر کسانی توهین به خدا، رسول، امامان، مراجع، رهبر و... را مستوجب مرگ می دانند و آنرا قانونی کرده اند و حامیانشان سخن هیچ دگر اندیشی را بر نمی تابند و جلسات سخنرانی غیر مقلدین را با ضرب و شتم به هم می ریزند ربطی به اسلام ندارد، به خودشان مربوط است

۶ - قرآن آشکارا اعلام کرده است:

« کسانی (بت پرستانی) را که غیر خدا را می خوانند دشنام ندهید تا دشنام متقابل آنها را به خدا موجب نشوید، چرا که ما برای هر امتی عملشان را زینت داده ایم (اعتقادات هر قومی به تشخیص خودشان نیکوست) (انعام ۱۰۸)

اگر این فرمان، که ما را صریحاً از مرگ خواهی و دشنام دادن (حتی به مشرکین) باز می دارد، به قرآن و به سیره پیامبر (که مدارایش با مخالفین زبانزد بود)، و به علی که (عدالتش در اوج قدرت سیاسی به مخالفین میدان می داد که در نماز جماعت در دوران خلافتش، علیه او شعار بدهند و به شرک متهم اش نمایند)، و به اسلام ربطی ندارد، به خودشان مربوط است.

۷ - در نظام سیاسی قرآنی، نه تنها مخالفین حق حیات و حضور سیاسی اجتماعی دارند، بلکه در هنگامی که جنگ سرنوشت ساز، که در پیشرفته ترین کشورهای مدعی دموکراسی هم آزادی ها قانوناً محدود می شود، تشکیل جلسه توطئه آمیز شبانه علیه تصمیمات رهبری (پیامبر) هم در امر جنگ تحمل می شود و عدم تعرض به آنان با توکل به خدا توصیه می شود (نساء ۸۱). حال اگر کسانی در شرایط صلح هم، نه جلسات توطئه آمیز، بلکه گفتگوی علمی را هم تحمل نمی کنند و منتقدین خیر خواه و موافق نظام و مشفقین دلسوز را هم امان نمی دهند، ربطی به اسلام ندارد، به خودشان مربوط است.

۸ - مطابق بیان مکرر قرآن، خداوند به دشمنان آشکار و نهان پیامبران آزادی و میدان عمل داده تا در برابر مکتب و مرام توحیدی، سخنان آراسته ای عرضه نمایند تا ناباوران آخرت آنها را هم بشنوند، تا آنها هم راضی شوند و آنچه می خواهند انجام دهند (انعام ۱۱۳، ۱۱۲). چنین آزادی و اختیاری که از فلسفه

آفرینش انسان و ابتلای او در گزینش مستقل راه خیر و شر ناشی می شود، اگر همواره نادیده گرفته شده و مردم به عنوان گوسفندانی، که نیاز به طوق تقلید دارند! و یتیم و صغیر و سفیه شمرده می شوند، ربطی به اسلام ندارد، به خودشان مربوط است.

۹- در اسلام قرآنی (نه فقهاتی و سنتی) نه تنها عقیده مخالف، بلکه تبلیغ و تعلیم و تدریس آن به هر طریقی، اعم از کتاب، فیلم، ویدئو و... تحمل می شود. به مصداق: «آن را که حساب پاک است از محاسبه چه پاک است»، کتابی که تأکید می کند با «تبین راه رشد از بیراهه اکراه و اجباری در دین وجود ندارد». (بقره ۲۵۶)، ترسی از اینکه به مخالفین اش در همه زمینه های فکری میدان و مهلت کافی بدهد ندارد. حال اگر کسانی که به دلایل ضعف استدلال و برهان و تنگ نظری و ترس از فرو ریختن پایه های پوشالی بنای فکریشان، انتظار دارند دیگران به اجازه آنها فکر کنند، ربطی به اسلام ندارد، به خودشان مربوط است.

۱۰- اگر به دلایل سیاسی تاریخی و مصلحت اندیشی های بشری، اکثریت فقهای شیعه و سنی حکم به قتل مرتد داده اند، این امر به کتاب خدا، که هیچ گونه کیفری دنیایی برای ارتداد تعیین نکرده، و تحمل و آزاد گذاشتن ملحدین (اعراف ۱۸۰) و سپردن مرتدین به نتیجه آخروی عمل خودشان را توصیه کرده است (مائده ۵۴ و بقره ۱۸۰)، ربطی به اسلام ندارد، به خودشان مربوط است.